

پادکست استفان لیورا

قسمت ۷۱

مقدمه‌ای بر اندیشه مکتب اقتصادی

اتریشی؛ از منظر بیت کوین

STEPHAN LIVERA
PODCAST



سلام. به پادکست Stephan Livera که متمرکز بر بیت کوین و اقتصاد مکتب اتریشی است خوش آمدید. من استفان لیورا، میزبان شما هستم. امروز، ما می خواهیم کاری کمی متفاوت انجام دهیم. در واقع من قصد دارم برحسب درخواست های شنوندگانم این قسمت را بصورت مونولوگ اجرا کنم و اکنون که از ژاپن برگشته ام، آماده ام مقداری از این مطالب را در کنار هم قرار دهم.

اگر تازه وارد هستید، احتمالاً از خود می پرسید: «آیا بیت کوین کلاهبرداری است؟ هیچ ارزش ذاتی ای هم که ندارد. بیت کوین هیچ سود سهام یا درآمدی هم که ندارد. آیا این دقیقاً مانند حباب لاله است و همه در اینجا فقط قمار می کنند؟ آیا دولت آن را تعطیل نمی کند؟ آیا ممکن است هک شود؟ در مورد این همه پروژه های کریپتو کارنسی دیگر چطور؟ قطار سود بردن از بیت کوین که رفته، آیا بهتر نیست روی یک ارز دیجیتال نوپا سرمایه گذاری کنم؟ یا اگر بیت کوین بخرم و بیت کوین بعدی ای بیرون بیاید و از این بهتر باشد، آنوقت چه می شود؟»، یا نمونه های دیگری از مثالهای فیس بوک و مای اسپیس که مردم زیاد استفاده می کنند. بنابراین امیدوارم که در این قسمت، سعی کنیم بیشتر این سوالات را بررسی کنیم و اینکه ببینیم یک اقتصاددان مکتب اتریشی بیت کوین، درباره این موارد چگونه فکر می کند.

بعضی از تأثیرگذاران دنیای بیت کوین چه کسانی هستند؟ برخی از تأثیرگذاران روی شخص من و اینکه چگونه در مورد این دیدگاه بیت کوین مکتب اتریشی فکر می کنم افرادی مانند نیک زابو، سیف الدین آموس، پی یر روشارد، مایکل گلدشتاین، ویجی بویاپاتی هستند که از آن ها تأثیر پذیرفته ام. از این ها گذشته دیگران نیز هستند، مثل تور دمیستر، تریس میر، دنیل کراویتز، کونارد گراف و پیترو سوردا که از همان روزهای اولیه در مورد آن می نوشتند.

اگرچه توصیه نمی‌کنم افرادی مانند دنیل کراویتز را دنبال کنید زیرا او بیشتر طرفدار BCH است. حالا ممکن است بعداً بیشتر به این موضوع بپردازم.

از منظر دنیای اقتصاد مکتب اتریشی اگر بخواهم از چند نفر نام ببرم، از کارل منگر، بنیان‌گذار مکتب اتریش، لودویگ فون میزس، موری روتبارد، هانس-هرمان هاپ، باب مورفی، تام وودز، گیدو هولتزمن، دکتر جوزف سالرنو، و هرتا دو سوتو تاثیر پذیرفته‌ام و خودم را به‌هیچ‌وجه نوعی رهبر فکری یا تاثیرگذار نمی‌دانم.

من اقتصاددان دکترای حرفه‌ای نیستم، بلکه خودم را یک دانشجوی قدیمی اقتصاد اتریش می‌دانم. نه اینکه بخواهم اطلاعات شخصی‌ام را منتشر کنم، در اوایل ۳۰ سالگی هستم و از حدود ۱۵ سالگی به اقتصاد اتریش علاقه‌مند شدم. یعنی حدود ۱۵ یا ۱۶ سال زمان بر روی این موضوع گذرانده‌ام. من از حدود دسامبر ۲۰۱۲ به بیت‌کوین علاقه‌مند شدم. بنابراین وقتی اکنون این قسمت پادکست را در ماه می ۲۰۱۹ ضبط می‌کنم، بیش از شش سال است که به آن علاقه‌مند هستم. بنابراین، بگذارید اکنون فقط چند ایده کلی در مورد نگاه یک اقتصاددان مکتب اتریشی به بیت‌کوین بیان کنم.

باید بیت‌کوین را به عنوان یک پول بایستوانه (در مقابل پول فیات که بدون پشتوانه است و دولت‌ها می‌توانند بدون محدودیت آن را چاپ کنند - م) دیجیتالی در نظر گرفت. اساساً، این یک چالش نهایی در برابر مداخلات پولی دولت است، به ویژه بانکداری مرکزی، نه لزوماً بانکداری به طور کلی. بیت‌کوین برای بسیاری از ما بسیار جالب است زیرا عرضه آن به ۲۱ میلیون محدود است. هرگز بیش از ۲۱ میلیون بیت‌کوین وجود نخواهد داشت و این ویژگی یعنی عرضه محدود هرگز در طول تاریخ سابقه نداشته است. بعداً ممکن است کمی بیشتر به جزئیات آن بپردازم.

همچنین به دلیل نحوه کارش، تحت تأثیر قرار دادن یا کنترل آن توسط هر نهاد بزرگ متمرکزی تقریباً ناممکن است. این همان چیزی است که به آن کمک می کند تا ارزش خود را حفظ کند زیرا ویژگی تغییرناپذیری دفتر کل بیت کوین برای سایر افراد ارزشمند است. این تغییرناپذیری یعنی بازگشت به گذشته و نوشتن مجدد ردیف‌های این دفتر بسیار دشوار و تقریباً ناممکن است.

با گذشت زمان، به دلیل فن آوری که با نام «اثبات کار» (فرآیندی که ماینرهای شبکه بیت کوین با استفاده از آن ثابت می کنند به اندازه کافی انرژی الکتریسیته برای ساختن بلاک جدید مصرف کرده اند. بعد از تأیید شدن، این بلاک جدید به بلاک‌های قبلی بلاک چین اضافه می شود. - م) شناخته می شود، همانطور که این تکنولوژی اثبات پیش می رود، تغییر آن دشوار و دشوارتر می شود. این موضوع را می توان با کهربا قیاس کرد. هرچه کهربا در اطراف چیزی بیشتر و بیشتر شود، تغییر آن در گذر زمان دشوارتر و دشوارتر خواهد شد. بنابراین می توانید درک کنید که در گذشته تلاش‌هایی برای تمرکز زدایی یا رها کردن پول از کنترل دولت یا افراد صورت گرفته است. این ارتباطی به یک فرد مشخص ندارد بلکه به فناوری‌های موجود در گذشته مربوط است.

بنابراین، بیت کوین همان فن آوری انقلابی است که می تواند شکل جدیدی از پول را فراهم کند که به اندازه گذشته حساس به مرکزیت یا همکاری نهادهای تصمیم گیر نباشد. از نظر تاریخی، آنچه اتفاق افتاده است این است که اگر کسی قدرت [مالی] زیادی بدست آورد، تمایل به ایجاد تورم خواهد داشت. زیرا بدیهی است، اگر شما پادشاه باشید، خواهید توانست با کمی سکه‌سایی (فرآیند بی ارزش کردن پول ملی از راه ایجاد تورم. - م) خیلی سریع ثروتمند شوید و از این راه به ثروت کل جامعه خود دستبرد بزنید.

این موضوع خوبی‌ها و بدی‌های خودش را دارد و افراد مختلف استدلال‌های مختلفی در این مورد دارند، اما اساساً به همین دلیل است که مردم ارزش زیادی برای بیت کوین قائل‌اند. هرچند این موضوع باید به‌عنوان یک مورد بلند مدت در نظر گرفته شود. منظور ما در اینجا حتی چندین دهه است. بنابراین اجازه دهید اکنون به چند مقاله و موضوع خاص در مورد بیت کوینپردازم و فکر می‌کنم باید با کارل منگر، بنیان‌گذار مکتب اتریش شروع کنیم.

اگر به مقاله «منشاء پول» او نگاهی بیندازید، یکی از دیدگاه‌های اساسی این مقاله این است که «قابل فروش بودن» و «در بازار خریدار داشتن» کالاهای مختلف با هم متفاوت هستند. به عبارت دیگر می‌توان گفت «نقد شوندگی» کالاهای مختلف با هم یکی نیستند. باگذشت زمان بخاطر مشکلی که اصل «همزمانی نیازها» (برای نمونه فرض کنید یک استاد کفاش نیاز به گندم داشته باشد. او باید در بازار به دنبال کشاورزی باشد که در همان روز نیاز به یک جفت کفش چرمی داشته باشد و فقط در این صورت است که نیاز هر دوی آن‌ها در قالب یک معامله برطرف می‌شود. - م) در بازار بوجود می‌آورد، مردم به نگهداری از کالاهایی که فروش آن‌ها در بازار راحت‌تر است گرایش پیدا می‌کنند.

اگر محصولی دارید که فروش آن آسان نیست، ممکن است نتوانید برای آن خریداری پیدا کنید، حتی اگر کالایی بسیار ارزشمند باشد. برای مثال فرض کنید شما یک تلسکوپ ساخته‌اید. ممکن است نانوا تلسکوپ شما را نخواهد. حالا فرض کنید که اصلاً این نانوا خریدار تلسکوپ شما هم باشد، در این صورت مشکل دیگری بوجود خواهد آمد. او باید به ازای یک تلسکوپ به شما ۲۰۰ قرص نان بدهد درحالی‌که فقط ۱۰ قرص نان آماده کرده است. از طرف دیگر شما هم نمی‌توانید تلسکوپ‌تان را به چند قسمت تقسیم کنید. تلسکوپ تقسیم‌پذیر نیست. این یک مثال است از شرایطی که ممکن است شما نتوانید به سرعت یک خریدار برای کالایتان پیدا کنید.

بنابراین پول برای ما یک وسیله غیرمستقیم برای مبادله است. چون مبادله کالا به کالا بطور مستقیم تقریباً غیرممکن است. حالا بیایید درباره درجات مختلف قابل فروش بودن پول صحبت کنیم. کارل منگر به مشخصه «زمان» و «مکان» پول پرداخته بود. او می گفت: «بازار این کالایی که می خواهید برایش خریدار پیدا کنید چقدر [از نظر مکانی] گسترده است؟ همچنین، ماندگاری این پول چقدر است؟ چقدر ارزش خود را در طول زمان حفظ می کند؟» افراد مختلف برای پول ویژگی های مختلفی برشمرده اند. مثلاً اینکه پول مورد نظر چقدر بخش پذیر است؟

جعل کردن یک پول خوب باید کار خیلی دشواری باشد. باید بتوان به آسانی اصالت آن را تشخیص داد. باید نسبت ارزش یک پول خوب نسبت به وزنش خیلی بالا باشد. برای نمونه نسبت ارزش وزنی طلا را با ارزش وزنی علوفه مقایسه کنید. تصور کنید چه مقدار علوفه را برای انتقال یک مقدار مشخص از ارزش جابجا کنید و آن را با طلا مقایسه کنید. بدیهی است که این کار با طلا آسانتر انجام خواهد پذیرفت. بیت کوین متفاوت است زیرا دیجیتال است و از روشی که قبلاً امکان پذیر نبود به کمیابی از نوع دیجیتال دست یافته است.

بنابراین، این ایده بر ویژگی «قابل فروش بودن» متمرکز شده است. من فکر می کنم این احتمالاً از اجزای کلیدی بیت کوین است و ویژگی های دیگر بیت کوین درواقع به این ویژگی کمک می کنند. گرایش زیادی برای همگرا شدن تعداد معدودی از بهترین کالاهایی که امکان تبدیل شدن به پول دارند وجود دارد. در عین حال، باید درک کنیم که اینگونه نیست که اجباری از بالا به پایین وجود داشته باشد. این طور نیست که دولت بیايد و بگوید، «من حکم می کنم که این کالای خاص پول است.» بلکه این اتفاق بیشتر بصورت از پایین به بالا رخ می دهد. این مسئله به طور طبیعی در بازار بوجود می آید و هر شخصی با توجه به منافع شخصی خود رفتار می کند.

برخی از مردم پیش خود فکر می کنند و می گویند: «اوه، بیت کوین یک سیستم اعتقادی است و چه و چه» این یک سیستم اعتقادی نیست. بیشتر شبیه این است که مردم به دنبال منافع خود هستند تا بهترین کالایی را که می توانند به عنوان پول استفاده کنند پیدا کنند. بعداً به آن خواهیم پرداخت. ما در مورد پول با پشته‌های صحبت می کنیم که از نظر تاریخی هم مردم به استفاده کردن از آن روی آورده‌اند. همانطور که سیف‌الدین هم در کتابش به آن اشاره کرده است. مواردی از قبیل: «بایسته‌ترین پولی که علاوه بر این ویژگی خریداران زیادی هم داشت چه بود؟»

حالا، برخی تصور می کنند که بیت کوین یک قمار است. همه شنیده‌اند این قمار بی‌بیش نیست و کلاً قضیه برپایه گمانه‌زنی (اینجا به معنی سرمایه‌گذاری مخاطره آمیز ولی با احتمال سود زیاد است. - م) است. به نظر من هم در این مورد، بله به یک معنا گمانه‌زنی است. برای بیت کوین تقاضای احتمالی وجود دارد، اما می توان در مورد اینکه چرا واقعاً سرمایه‌گذاری کردن روی بیت کوین منطقی است و اتفاقاتی که در ۱۰ سال گذشته افتاده بحث کنیم. ما دیدیم که بیت کوین هر سال پیشرفت کرده و با ارزش‌تر شده و چالش‌های بسیار زیادی را با موفقیت پشت سر گذاشته است.

اینها برخی از ایده‌هایی است که امیدوارم به تغییر دیدگاه شما کمک کند. حال ممکن است شما این دیدگاه کارل منگری به پول و بیت کوین را در تضاد با نظریه «چارتالیسم» (در اقتصاد کلان به نظریه‌ای گفته می‌شود که دولت را مبدأ تعیین پول رایج می‌داند، نه بازار. - م) ببینید. این تئوری معتقد است پول رایج توسط دولت تعیین می‌شود. اما شما باید کمی بیشتر به این موضوع فکر کنید، برخی از نمونه‌های تاریخی مانند ونزوئلا، آلمان، ویمار، یا زیمبابوه و غیره، یا آرژانتین را ببینید. صرف گفتن اینکه دولت پول رایج را اعلام می‌کند برای استفاده همگانی از آن کافی نیست چون اگر [دولت در حفظ ارزش پول رایج موفق نباشد و] کار از

کار بگذرد، مردم پول تعیین شده را تغییر خواهند داد. (در کشور خودمان هم این اتفاق علناً و عملاً افتاده است. حکومت پول رایج را ریال تعیین کرده ولی عملاً اجناس بر پایه دلار قیمت گذاری می‌شوند. - م)

در طول تاریخ به دفعات زیاد مشاهده شده که پول مردم ساکن کشورها یا اقتصادهای درگیر ابر تورم به سرعت تغییر می‌کند. این موضوع شبیه به یک بازی سیب‌زمینی داغ می‌شود (پولی که نمی‌تواند ارزش خود را حفظ کند شبیه به سیب‌زمینی داغی است که هیچ‌کس حاضر به نگه داشتن آن نیست. - م). مثلاً در ونزوئلا مردم ارز ملی را دریافت می‌کنند ولی بلافاصله آن را تبدیل به یک کالای دیگر می‌کنند زیرا در غیر این صورت ارزش آن با گذشت زمان کاهش می‌یابد.

بنابراین، در آنجا شاهد پدیده «دلاری شدن» بازار هستیم. مثل ونزوئلا یا هر جای دیگر دنیا که مردم در تلاشند از پول بهتر دیگری استفاده کنند زیرا این تنها راه برای حفظ ارزش دارایی‌شان است. ما اعتقاد داریم که چیزی شبیه به دلاری شدن اقتصاد برای بیت کوین رخ خواهد داد و قیمت‌ها نسبت به بیت کوین سنجیده خواهند شد و بازار به اصطلاح «بیت کوینی» خواهد شد.

دیدگاه دیگر درباره پول دیدگاه «دیوید گرابر» است که معتقد است پول همان بدهی است. این ایده که «همه چیز به شکل بدهی شروع شد و پول هم همین بدهی است.» ما با این نگاه و پایه گذاری پول به عنوان وسیله‌ای برای مبادله و کالای قابل فروش بر پایه این نگاه مخالف هستیم. در دنیای بیت کوین افراد صاحب‌نظر دیگری نیز وجود دارند، یک مثال خوب «نیک زابو» با مقاله معروف خود به اسم «Shelling Out» است.

این یک مقاله خارق‌العاده است و خواندن آن که بر روی سایت «موسسه ساتوشی ناکاموتو» قرار دارد، پیشنهاد می‌شود. در آن مقاله، نیک زابو در مورد ایده «پول‌های اولیه» و «اشیاء کلکسیونی» (اشیائی که در طول تاریخ بخاطر کمیابی یا خاص بودنشان مورد توجه مردم قرار گرفته‌اند تا جایی که از آن‌ها برای حفظ و انتقال ارزش استفاده شده است. - م) صحبت می‌کند. بنابراین این کاملاً منطبق با دیدگاه منگری است و اساساً او در مورد کالاهای کلکسیونی به عنوان اولین شکل تضمین شده از ارزش صحبت می‌کند. (منظور این است که یک شیء مانند دندان شیر که برای افراد یک قبیله با ارزش است و خواهان آن هستند، درواقع تجلی ارزشی است که در قالب یک شیء نمایان و تضمین شده است. - م)

شبیه به چیزی که قبلاً در مورد حل کردن مشکل «همزمانی نیازها» گفتیم، او درباره ایده اشیاء کلکسیونی به مثابه «تعامل به تعویق افتاده» صحبت می‌کند. این اشیاء تقریباً شبیه به یک فن‌آوری هستند که به ما کمک کرده‌اند تا با هم همکاری کنیم و سناریوهایی ترتیب بدهیم تا افراد بتوانند ثروت خود را بین اقوام خود یا بین قبایل مختلف انتقال دهند.

از نظر تاریخی در هند و بعضی جاهای دیگر مواردی مانند جهیزیه وجود دارد که خانواده عروس به خانواده داماد پرداخت می‌کند. نیک زابو در آن مقاله به طور تاریخی اشاره می‌کند که این پرداخت در گذشته برعکس بوده و درواقع از طرف خانواده داماد به خانواده عروس پرداخت می‌شده است. در هر صورت مردم برای هماهنگی با همدیگر از این روش استفاده می‌کردند. از نظر تاریخی در گذشته افرادی که در یک روستای کوچک زندگی می‌کردند حساب و کتاب همه هدیه‌ها و کمک‌هایی که به هم می‌کردند را نگه می‌داشتند. می‌دانستند چه کسی بدهکار است؟ چه کسی چه کاری را برای چه کسی انجام داده است؟ واضح است که این روش در مقیاس‌های بزرگ کارایی ندارد.

همانطور که جوامع رشد می کنند و پرجمعیت تر می شوند ایده «عدد دان بار» (رایین دان بار، مردم شناس. - م) مطرح می شود. که وقتی تعداد افراد از ۱۵۰ نفر بیشتر شود حفظ این رابطه نزدیک اجتماعی دشوار خواهد شد. پول ابزاری است که ما انسانها برای غلبه کردن بر این محدودیت به کار گرفته ایم. این یکی از راه های فکر کردن به آن است. من فکر می کنم این موضوع با مقاله بعدی زابو به نام «پول، بلاک چین، و مقیاس پذیری اجتماعی» سازگاری دارد. شما این مقاله دوم را هم می توانید بر روی سایت «موسسه ساتوشی ناکاموتو» و وبلاگ زابو بخوانید. فکر کنم اسم بلاگ او Unenumerated است.

این مقاله دوم او هم خارق العاده است. آنچه زابو در این مقاله سعی می کند به آن اشاره کند این است که بیت کوین از نظر محاسباتی فوق العاده ناکارآمد است. او می نویسد: «راز موفقیت بیت کوین مطمئناً کارایی روش محاسباتی آن یا مقیاس پذیر بودن آن در مصرف منابع نیست. در عوض، راز موفقیت بیت کوین این است که با مصرف بالای منابع و مقیاس ناپذیر بودن روش محاسباتی اش چیزی را ممکن می سازد که بسیار باارزش است و آن چیزی نیست جز مقیاس پذیری اجتماعی»

این شبیه به نکته ای است که قبلاً به آن اشاره کردیم. مقیاس پذیری اجتماعی به مانند یک نهاد است. قواعد و آداب و رسوم بازی را تعیین می کند. چیزهایی است که رفتارهای افراد را محدود یا تحریک می کند. و در مواردی به ما کمک می کند تا بر کاستی های خاص ذهن انسان ها مثل عدد دان بار چیره شویم. اگر از این زاویه به موضوع نگاه کنیم باید نسبت به افرادی که وعده دنیایی بهتر با به کارگیری تکنولوژی به قول معروف بلاک چین می دهند، با تردید نگاه کنیم. آن ها می گویند «بلاک چین را دریابید و بیت کوین را فراموش کنید» و چیزهای شبیه به این. در حالی که آن ها اصلاً به این موضوع دقت نمی کنند که بیت کوین توانسته به این هدف خاص دست پیدا کند.

بلاک چینی که در بیت کوین استفاده می‌شود، طوری طراحی شده که با این هزینه بسیار بالا و باورنکردنی بتواند در مورد قوانین بیت کوین به همه مردم دنیا اطمینان خاطر بدهد. اینکه هیچ‌وقت تعداد بیت کوین‌های تولید شده بیشتر از ۲۱ میلیون نخواهد بود. اینکه هرگز امکان خرج کردن بیت کوین یک فرد دیگر وجود نخواهد داشت و مواردی از این قبیل. همانطور که نیک زابو می‌گوید، «فناوری بلاک چین که یکپارچگی داده‌ها را با به خدمت گرفتن علوم رایانه و نه تماس با پلیس پیاده‌سازی می‌کند، درواقع توانسته یک پول جدید خلق کند که امنیت بالایی دارد و طرفین معامله می‌توانند با کمترین میزان اعتماد از آن استفاده کنند.»

با توجه به این‌ها من معتقدم مردم باید نسبت به فناوری بلاک چینی که بخواهد در مورد حوزه‌های غیر مالی به کار گرفته شود بیشتر بدبین باشند. این هدف دست‌نیافتنی است. باید نسبت به آن تردید داشته باشیم چون حداقل چهار پنج سالی است که می‌گویند «فناوری بلاک چین اهمیت بیشتری از بیت کوین دارد.» ولی با وجود این نتوانسته‌اند موارد استفاده سودآوری برای آن پیدا کنند. حتی وقتی هم یک مورد استفاده برای آن پیدا کنند، ممکن است با استفاده از یک رویکرد متفاوت تکنولوژیکی، مثلاً فقط استفاده کردن از رمزنگاری بدون بلاک چین نظام کاری سنتی آن‌ها متحول شود.

بخش شکاک درون من به من می‌گوید برخی از مدیران شرکت‌ها که ممکن است به تکنولوژی آن‌چنان وارد نباشند ممکن است از آن برای مقاصد بازاریابی استفاده کنند، یا ممکن است بخواهند آن را امتحان کنند. همچنین بعضی از کارمندان آن‌ها با ایده استفاده از آن موافقت می‌کنند چون این موضوع به آن‌ها کمک می‌کند بودجه بیشتری کسب کنند و یک کارهایی هم با آن انجام دهند هرچند ممکن است لزوماً این تلاش‌ها کارآمد نباشند. من معتقدم خیلی واضح است که ما باید درباره فن‌آوری بلاک چین تردید داشته باشیم. اگر

علاقه‌مند هستید پیشنهاد می‌کنم به قسمت‌های گذشته پادکست من که با جیمی سانگ و اودی در این باره بحث کرده‌ام گوش کنید.

موضوع بعدی که می‌خواهم درباره‌اش صحبت کنم مقاله «هانس هرمان هاپ» است با عنوان «بازنگری بازدهی پولی که ذخیره شده». این یکی روی وب‌سایت mises.org موجود است. متن این مقاله آنطور که من آن را فهمیده‌ام، پاسخی به برخی از بدبینان به طلا بوده است. بعضی‌ها می‌گویند «آیا نگه‌داشتن پول کاری بی‌ثمر نیست؟ اصلاً چرا می‌خواهی پولات را پس‌انداز کنی؟» این به همان سؤال که چرا پول نقد را بصورت ذخیره نگه‌داری می‌کنیم باز می‌گردد.

برای اینکه کمی عمیق‌تر این موضوع را توضیح بدهیم، اینطور است که: از پول می‌توان سه جور مختلف استفاده کرد. فکر کنم «رات‌بارد» در کتاب «انسان، اقتصاد، و حکومت» این موضوع را مطرح کرده و مطمئنم اساساً اکثر اقتصاددانان مکتب اتریشی با این نکته موافق هستند.

مثلاً فرض کنید مقداری پول درآورده‌اید. شما یا این پول را خرج می‌کنید و چیزی با آن می‌خرید. یا آن را جایی سرمایه‌گذاری می‌کنید تا سود ببرید و پول‌تان را بیشتر کنید. هرچند در این روش دوم شما باید ریسک سرمایه‌گذاری را هم در نظر بگیرید. و در آخر هم شما ممکن است آن را خرج نکنید و فقط آن را حفظ کنید. آنچه هاپ در این مقاله مطرح می‌کند پاسخ به این سؤال است که «اصلاً چرا ما آن پول نقد را خرج نمی‌کنیم و آن را نگه می‌داریم؟» در نهایت دلیل آن «عدم قطعیت» است. فکر کنم خود «می‌سس» هم در این باره صحبت کرده است.

تصور کنید عدم اطمینان اصلاً وجود نداشت. در این صورت دیگر نیازی به پول نقد نداشتیم. می‌توانستیم پول‌مان را با خیال راحت سرمایه‌گذاری کنیم یا آن را به صورت وام به دیگران پرداخت کنیم و مطمئن باشیم می‌توانیم هر وقت آن را احتیاج داریم، دوباره آن را پس بگیریم. بنابراین برای مثال اگر من می‌دانستم که باید شش ماه دیگر کالای الف را به قیمت ۱۰۰۰ دلار خریداری کنم و به شرطی که از این موضوع اطمینان کامل داشتم، دیگر لازم نبود آن را به صورت نقد پس‌انداز کنم. پس می‌توانستم خیلی راحت آن را در یک سپرده مدت‌دار شش ماهه یا اوراق قرضه یا ابزار دیگری که امکان بازخرید آن را به من می‌دهد سرمایه‌گذاری کنم تا مجبور به نگه‌داشتنش بصورت نقد نباشم.

در نهایت آنچه هاپ در این مقاله مطرح می‌کند این است که تلاش می‌کند توضیح دهد سودمندی منحصربه‌فرد پول، ایجاد «قطعیت و اطمینان» در یک شرایط «بی‌ثبات و نامطمئن» است. دلیل آن همان‌طور که قبلاً هم در این مورد صحبت کردیم این است که پول نقدی که شما در اختیار دارید در واقع نقدترین و پرتقاضاترین کالا یا دارایی ممکن است. این همان چیزی است که شما را قادر می‌سازد تقریباً هر کالای دیگری که لازم دارید را با کمترین افت ارزش و کمترین زحمت برای پیدا کردن متقاضی و بدون نیاز به حل کردن مشکل تقاضای همزمان و با استفاده از خود پول نقد، خریداری کنید. موضوع اصلی همین است.

موضوع دیگری که در اینجا باید مورد توجه قرار بگیرد... و من فکر می‌کنم در این مورد افرادی مثل مخالفان سرسخت بیت‌کوین و کسانی که شغل آن‌ها تجزیه و تحلیل بازارهای مالی است در این مورد افراد دچار خطای دسته‌بندی می‌شوند. (خطای دسته‌بندی مفهوم فلسفی دارد و در ادبیات فلسفی به آن «خطای مقولی» می‌گویند. - م) این افراد به طلا و بیت‌کوین نگاه می‌کنند و می‌گویند: «این طلا سنگ بی‌خاصیتی بیش نیست. اصلاً چرا باید آن را نگه داشت؟». این یک خطای دسته‌بندی است.

آن‌ها فکر می‌کنند طلا هم مانند سهام باید در گروه سرمایه‌گذاری قرار بگیرد و به مانند بازار سهام یا اوراق قرضه به آن‌ها سود برساند. اما کسی بخاطر این دلایل طلا یا بیت‌کوین نگه نمی‌دارد و بیشتر به عنوان پول نقد پس‌انداز شده به آن‌ها نگاه می‌کند.

موضوع دیگری که می‌توانیم اینجا مطرح کنیم تقاضا برای نگهداری پول برای معامله خرید و فروش است. (بیشتر با هدف کسب سود از نوسانات کوتاه و میان‌مدت بازار. - م) یک دلیل منطقی برای افزایش دادن موجودی نقدی این است که شما باور دارید نگه داشتن پول شما را قادر به خریدن دارایی‌های غیرپولی بیشتری می‌کند. برای مثال اگر شما در گذشته فکر می‌کردید قیمت طلا بالا خواهد رفت و طلا ذخیره می‌کردید، بنابراین الان شما می‌توانستید خانه، ماشین، غذا، لباس، و چیزهای بیشتری برای خود خریداری کنید.

بنابراین اگر به یک اقتصاددان مکتب اتریشی بگویید «بیت‌کوین هیچ‌گونه بازدهی ندارد» او احتمالاً به شما پاسخ خواهد داد که بیت‌کوین اصلاً برای همچنین چیزی طراحی نشده است. باید به بیت‌کوین شبیه به موجودی نقدی نگاه کرد و همانطور که بعداً بیشتر صحبت می‌کنیم جوامع گرایش به انتخاب بهترین یا با پشتوانه‌ترین یا «پر خریدارترین» جنس به عنوان پول دارند.

مقاله مهم دیگری که توسط هانس هرمان هاپ منتشر شده «پول فیات چگونه ممکن است؟» نام دارد. اگر نام آن را در اینترنت جستجو کنید می‌توانید در وبسایت mises.org آن را پیدا کنید. نکته‌های خیلی جالبی در آن مقاله است و معتقدم هاپ بر روی چند نکته که قبلاً از کارل منگر در مقاله «منشاء پول» آموختیم تأکید می‌کند. اینجا دوباره برای توضیح این رفتار نوظهور بر «علاقه شخصی افراد» تمرکز می‌شود. اینطور نیست که یک نهاد عالی یا حتی یک فرد مشخص طلا یا بیت‌کوین را به عنوان پول برای مردم تعیین کند بلکه هر فردی

با در نظر گرفتن منافع شخصی خود چیزی که به عنوان پول قبول کرده را ذخیره می کند. چون معتقد است که آن چیز بهترین وسیله برای حفظ ارزش دارایی او است.

نکته ای که هاپ در اینجا به آن اشاره می کند این است که انتخاب کالایی که دیگران هم از آن به عنوان واسطه پرداخت در معامله استفاده می کنند، برای افراد مفید است. برخلاف افرادی که در دنیای کریپتو فعالیت می کنند و اساساً جهان بینی آن ها مبتنی بر وجود داشتن چند پول بصورت همزمان است. وجود چند پول بصورت همزمان مشکلات بازار معامله کالا به کالا را دوباره پدید خواهد آورد و پول باید یکی و غالب ترین آن ها باشد. با انتخاب یک کالا به عنوان واسطه پرداخت در معامله حساب و کتاب بهینه تر می شود و منابع کمتری هدر می روند. همچنین هاپ در این مقاله به این نکته اشاره می کند که حسابداری در دنیایی که از یک پول رایج استفاده کند چه مقدار می تواند در نشان دادن هزینه فرصت ها بیان دقیق تری داشته باشد چون افراد کمتری درگیر محاسبه نرخ تبدیل ارزها و در کل مسائل مربوط به تبدیل ارزهای مختلف به یکدیگر در کارهای حسابداری می شوند که کاری بیهوده و زمان بر است.

موضوع دیگری که او در مقاله اش به آن اشاره می کند مساله مناطق تجاری است. ممکن است کسی بگوید «اما ممکن است کسی در یک منطقه تجاری از یک پول متفاوت استفاده کند». پاسخ به این مساله این است که چون افراد تمایل به سود بیشتر دارند پس ترجیح می دهند در بازار جهانی معامله کنند. بیت کوین می تواند این پول مشترک جهانی در دنیای فزاینده تجارت اینترنتی امروز باشد. این پول قطعاً نمی تواند دلار آمریکا باشد چون امکان متوقف شدن یا سانسور شدن دلار بسیار محتمل است. با در نظر گرفتن تحریم های اقتصادی و کنترل های نظارتی مالی که امروزه در جهان وجود دارد.

اینجا این سؤال مطرح می‌شود که کدام یک از رمزارزهای موجود قابلیت جهانی شدن را دارد؟ معتقدم در اینجا می‌توان استدلال کرد که بیت کوین استثنایی است. خواستم بگویم اولین رمزارز بوده ولی به تعبیری اولین نیست. اگر به برخی از تلاش‌های قبلی برای خلق پول دیجیتال نگاهی بیندازیم خواهیم دید که قبل از بیت کوین هم اقداماتی صورت گرفته است. از میان آن‌ها می‌توان به «بیت‌گلد» [نیک زابو] و «بی-مانی» که خالق آن «وی دای» است و نسخه‌های غیردیجیتال آن‌ها به اسم «لیبرتی رزرو» و «ای گلد» اشاره کرد. آن‌ها را تعطیل کردند. از همین جا می‌توان به ویژگی بیت کوین پی برد. (اینجا لیورا اشاره به غیرمتمرکز بودن بیت کوین دارد و اینکه تعطیل پذیر نیست. - م)

به مقاله هاپ برگردیم. او در جایی از مقاله به بخشی از نظریه «میزس» (چهره برجسته اقتصاد مکتب اتریشی. - م) در مورد پول و اعتبار و همگرایی بازار نسبت به کالای واحدی که همگان خواهان آن هستند و آن را قبول می‌کنند صحبت می‌کند. او می‌گوید: «کالاهایی که خریدار آن در بازار کم است، یکی یکی از گردونه رقابت خارج می‌شوند تا اینکه بالاخره پرتفردارترین آن‌ها در بازار باقی می‌ماند.» (اینجا منظور کالایی است که مردم به عنوان پول انتخاب می‌کنند چرا که هر زمان اراده کنند برایش خریدار وجود دارد. - م) این نگاه به تعبیری همان نگاه حداکثری (ماکسیمالیستی. - م) به جایگاه بیت کوین در حداکثرگرایی پولی بیت کوین است. ایده همگرایی بازار نسبت به بهترین پول موجود در بازار.

مقاله خوب دیگری که پیشنهاد می‌کنم بخوانید نوشته «ویجی بویا پاتی» است با عنوان The bullish case for bitcoin. می‌توانید آن را با جستجو در اینترنت یا توئیتر او پیدا کنید و بخوانید. (این کتاب با عنوان «روند صعودی بیت کوین» توسط حامد صالحی ترجمه شده و در سایت bitcoind.me قرار گرفته است. - م) من با ویجی مصاحبه کرده‌ام و می‌توانید در

پادکست من به آن‌ها گوش کنید. من قصد ندارم اینجا همه مقاله را جمع‌بندی کنم. اما برخی از نکات کلیدی آن را که مربوط به مفاهیم خصوصیات پولی بود برای بحث انتخاب کرده‌ام.

سؤالی که قبلاً مطرح کردیم این بود که چه خصوصیتی باعث می‌شود که یک کالا خواهان بیشتری پیدا کند یا به عبارت دیگر فروختن آن راحت‌تر باشد؟ مسائلی که در مورد بیت‌کوین مطرح می‌شود، ماندگاری بیت‌کوین چقدر است؟ بکاپ یا نسخه پشتیبان گرفتن از آن چقدر آسان است؟ در حالیکه ثقل در آن فوق‌العاده دشوار است، تأیید اصالت آن چقدر آسان است؟ بیت‌کوین همه این ویژگی‌ها را از طریق نرم‌افزار انجام می‌دهد. بنابراین به شرطی که افراد نرم‌افزار فول-نود خودشان را راه انداخته باشند، تأیید اصالت آن برای همه کار ساده‌ای است. (فول-نود نام نرم‌افزاری است که قابلیت اتصال به شبکه و فراهم کردن ابزار تأیید اصالت بیت‌کوین‌های دریافتی را برای هر فردی که آن را روی کامپیوترش اجرا کند فراهم می‌کند. - م)

این موارد که مطرح شد را می‌توانید با طلا مقایسه کنید. در گذشته درواقع نمونه‌های تاریخی وجود داشته که افرادی سعی کرده‌اند برای فریب دادن خریداران طلا، داخل آن را با فلز تنگستن پر کنند و رویه بیرونی را با طلا بپوشانند. بنابراین برای تأیید اصالت طلا همواره مشکلاتی وجود داشته است. این یک مثال بود.

حالا که دارم درمورد مقاله ویجی صحبت می‌کنم بهتر است به یکی از نکته‌هایی که او مطرح کرده و من خیلی آن را دوست دارم اشاره کنم. به گفته او ممکن است برخی از افراد در این تله فکری بیفتند که «من نسخه بعدی و جدید بیت‌کوین را می‌خواهم». همانطور که او توضیح می‌دهد «بیت‌کوین نسخه بعدی خودش است». نباید «اثر شبکه‌ای» بیت‌کوین را نادیده گرفت. (اثر شبکه‌ای در علم اقتصاد تأثیری است که تعداد استفاده کنندگان از یک

کالا بر روی ارزش آن دارد. وقتی اثر شبکه‌ای وجود داشته باشد ارزش یک محصول یا خدمت به تعداد استفاده کنندگان آن بستگی دارد. در مورد بیت کوین هم چون به این صورت است که هر سال به تعداد کاربران آن اضافه می‌شود و در عین حال سیستم نرم‌افزاری و فنی آن منسجم‌تر و قوی‌تر می‌شود. علاوه بر این با توجه به اینکه بیت کوین یک پروژه اپن-سورس است، پیشرفت در تکنولوژی و دیگر پروژه‌های رمزارزهای دیجیتال قابل پیاده‌سازی بر روی بیت کوین خواهند بود. - م) همچنین باید هزینه فرصت بالای نگه داشتن پول‌های دیگر را هم در نظر گرفت.

بنابراین همانطور که در برخی از نوشته‌های مؤسسه ناکاموتو مشاهده می‌کنید، تغییر در انتخاب پول برای یک فرد با تغییر پلتفرم شبکه اجتماعی خیلی فرق می‌کند. اگر از پول الف مقدار بیشتری داشته باشی این یعنی حتماً از پول ب کمتر خواهی داشت. بنابراین همانطور که قبلاً گفتیم در گذر زمان افراد گرایش به سمت انتخاب بهترین پول موجود دارند. (اینجا جواب لیورا به کسی که می‌گوید من صبر می‌کنم نسخه بعدی بیت کوین ساخته بشود و من آن را می‌خرم، این است که پول مثل مای-اسپیس و فیس‌بوک نیست که شما بتوانی روی هر کدام از آن‌ها چندین حساب کاربری بسازی. وقتی یکی را انتخاب کنی یعنی مقدار سرمایه بیشتری به آن اختصاص دادی و سرمایه‌ات بر روی دیگری قطعاً کمتر شده است. - م)

همانطور که «پی‌یر روشارد» که قبلاً در پادکست من حضور داشته بارها توضیح داده و در توئیت‌ها هم مطرح کرده که «نقدشوندگی باعث بوجود آمدن نقدشوندگی بیشتر می‌شود». بنابراین حتی یک اختلاف جزئی در افزایش نقدینگی پول الف نسبت به پول ب، به فرض یکسان بودن شرایط در بقیه مسائل، باعث برنده شدن پول الف در بازار پول می‌شود. یک منبع خوب دیگر که اگر می‌خواهید درباره بیت کوین بیشتر بدانید نباید از آن به راحتی بگذرید کتاب «پول بیت کوین» نوشته «سیف‌الدین اموس» است. او در گذشته مهمان

پادکست من بوده است. قسمت اول و قسمت ۶۹ را به خاطر می‌آورم که او مهمان پادکست من بوده است. او در کتاب «پول بیت کوین» توضیحات زیادی درباره پول داده. فکر می‌کنم مطالب زیادی در باب تاریخچه پول برای یک تازه‌وارد در این کتاب وجود دارد. تمرکز اصلی دیگر او در این کتاب بر ایده «انباشت به جریان» است. (در ادبیات اقتصادی stock to flow یا s/f یعنی نسبت مقداری از یک کالا که در یک سال تولید می‌شود به کل مقدار موجود از آن کالا. مثلاً در مورد طلا انباشت یعنی مقدار همه طلاهای موجود بر روی زمین و جریان یعنی مقدار طلایی که هر سال از معادن طلا استخراج می‌شود. - م)

برخی نکات در تاریخ پول پیرامون این است که دولت‌ها برای جا انداختن پول فیات مداخلات خاصی انجام دادند. به برخی از نمونه‌هایی که او در کتابش در مورد مفهوم انباشت به جریان آورد باید واقعاً توجه کرد. مثلاً نرخ تورم این پول فیات چقدر است؟ اغلب پول‌های فیات در دنیا نرخ تورم سالانه پنج، شش، هفت، یا حتی بالاتر دارند. در مقابل تورم سالانه طلا در طول تاریخ حدود ۱.۵ تا ۲ درصد بوده است.

از طرف دیگر بیشترین مقدار تورم بیت کوین در سال‌های ابتدایی عمرش بوده است. هر چهار سال میزان عرضه (یا همان جریان. - م) آن نصف می‌شود. این رویدادی است که به «هالینگ» معروف است که در آن پاداش ساختن یک بلاک برای ماینر آن بلاک نصف می‌شود. این یعنی با گذشت زمان نرخ تورم آن از هر چیز دیگری کمتر خواهد شد.

این مساله با توجه به موضوعی که قبلاً درباره خریدار داشتن یک کالا در گذر زمان و مکان مطرح شد، خیلی مهم است. شما می‌دانید که عرضه بیت کوین بیشتر از ۲۱ میلیون نخواهد بود و در واقع نرم‌افزار بیت کوین با بهره‌گیری از الگوریتم‌های نرم‌افزاری این قید را اعمال می‌کند. (با توجه به این - سورس بودن نرم‌افزار بیت کوین هر فرد علاقه‌مندی می‌تواند نحوه اعمال شدن

آن را در کد بیت کوین مشاهده کند که به سادگی از عرضه بالاتر از ۲۱ میلیون بیت کوین جلوگیری می‌کند. - م). در حال حاضر تورم سالانه بیت کوین حدود ۴ درصد است و اگر بیت کوین‌های به اصطلاح از دست رفته را در نظر بگیریم این رقم به حدود ۶ درصد می‌رسد.

بعد از هوینگ بعدی [که در سال ۲۰۲۰] رخ خواهد داد، نرخ تورم بیت کوین بین حدود ۲ تا ۳ درصد خواهد رسید. و بعد از هوینگ سال ۲۰۲۴ بین ۱ تا ۲ درصد خواهد بود. هوینگ بعدی حدود سال ۲۰۲۸ رخ خواهد داد و نرم تورم آن حتی کمتر خواهد شد. بنابراین شما باید شرایط را برای مردمی که در دهه‌های پیش‌رو زندگی خواهند کرد در نظر بگیرید که چگونه خواهد بود. این پدیده‌ای است که در طول چند دهه رخ خواهد داد. مردم دهه‌های آینده ممکن است دارایی‌شان را در بیت کوین ذخیره کنند چون بهترین گزینه موجود برای آن‌ها است.

سیف‌الدین در کتابش به نمونه‌های دیگری هم اشاره می‌کند که برای درک بهتر آن‌ها باید کتاب را بخوانید. یک نمونه‌ای که در کتاب او مطرح شده، موضوع مهاجران اروپایی است که به آفریقا می‌رسند و مشاهده می‌کنند که گروهی از آفریقاییان از مهره‌های شیشه‌ای به‌عنوان پول استفاده می‌کنند. حالا مسأله این است که مهاجران اروپایی از فن‌آوری ساخت شیشه برخوردار بودند. بنابراین فقط کافی بود آن‌ها به اروپا برگردند و شبیه به آن مهره‌های شیشه‌ای را تولید کنند و به آفریقا ببرند و اساساً ثروت مردم آفریقا را تا قران آخر تصاحب کنند. فقط به همین دلیل که می‌توانستند پول آن‌ها را به راحتی خلق کنند.

درسی که از این ماجرا می‌گیریم به گفته خود سیف‌الدین این است: «به سختی می‌توان در برابر خطر کسی که از پول با پشتوانه‌تری نسبت به پول شما استفاده می‌کند مصون ماند.» این موضوع دوباره بازگشتی به این ایده می‌زند که همه خواهان استفاده کردن از یک پول

باپشتوانه هستند. اگر شما از پول بدون پشتوانه استفاده می کنید مستعد از دست دادن ثروت خود هستید و این اتفاق بارها در طول تاریخ رخ داده است. داستان جزیره یپ و سنگ های رای هم شبیه به مهره های شیشه ای آفریقایی هستند و بهتر است در کتاب سیف آن را هم بخوانید.

فرد بعدی «موری رات بارد» است که مطالب زیادی از او منتشر شده است. از زاویه بیت کوین اگر بخواهیم به نوشته های او نگاهی بیندازیم، احتمالاً یکی از بهترین آن ها کتابچه «دولت چه بلایی بر سر پول ما آورده؟» است. رات بارد در کتابش در مورد تاریخ پول صحبت می کند و توضیح می دهد که چگونه سیستم بانکداری به فساد کشیده و متمرکز شد. بنابراین می توان کمی بیشتر نحوه به وجود آمدن آن را درک کرد و فهمید چرا در نهایت پول از راهی که می رفت منحرف شد و به صورت امروزی درآمد. مردم دنیا هزاران سال از طلا استفاده می کردند. چطور شد که ما امروزه از این سیستم پول کاغذی که هیچ گونه پشتوانه ای ندارد استفاده می کنیم؟

بنابراین وقتی در مورد «ارزش ذاتی» صحبت می کنیم، باید آن را از دیدگاه مکتب اتریشی بفهمیم که معتقد است «ارزش در نگاه ناظر است و یک موضوع کاملاً وابسته به طرز تفکر هر شخص است.» مثلاً از یک زاویه دیگر می توان به طلا نگاه کرد و پرسید: «پشتوانه طلا چیست؟». در نهایت خصوصیات پولی و مفهوم قابل فروش بودن یک کالا هستند که اهمیت بیشتری دارند. از این نظر انتخاب پول موضوع اعتقادی نیست بلکه بیشتر بر این پایه است که چه چیزی بیشتر از همه خریدار دارد؟ نقدشوندگی کدامشان بیشتر است؟ بهترین خصوصیات شان چیست؟ و من معتقدم این هم یک راه فکر کردن به این مسأله است.

ایده دیگری که در اقتصاد مکتب اتریشی مشاهده می‌شود این است که مقدار حجم پول عرضه شده در اقتصاد اهمیتی ندارد. برای مثال تصور کنید ما در یک اقتصاد کوچک فرضی ۱,۰۰۰ واحد پولی داریم و من دستانم را به هم می‌زنم و این حجم را دوبرابر می‌کنم و رقم واحد پولی موجود به ۲,۰۰۰ واحد می‌رسد و پول همه مردم هم یک شبه دوبرابر می‌شود. آیا ثروت خالص ما تغییر می‌کند؟ نه، فقط واحد پولی تغییر کرده است و من امیدوارم این مسأله برای شما روشن باشد.

سعی دارم اینجا توضیح بدهم که تورم از طریق پول فیات به مرجعیت بانک مرکزی، قوانین مربوط به پول رایج و قانونی، قوانین مالیاتی و نظایر آن پدید می‌آید ولی مشکل اصلی پدیده‌ای است که به آن «اثر کانتیلان» می‌گویند. نام این پدیده را از روی نام ریچارد کانتیلان اقتصاددان قرن هجدهمی گذاشته‌اند.

اثر کانتیلان یعنی؛ کسانی که به سرچشمه نهادهای متولی پول وصل هستند یعنی کسانی که قبل از دیگران به پول‌های جدیداً خلق شده دسترسی دارند درواقع بیشترین سود را می‌برند چون این پول را با قدرت خرید امروز و قبل از اینکه این پول به دیگران برسد و بر قیمت‌ها اثر بگذارد خرج می‌کنند. (این اتفاق در کشور ما بارها و بارها و از طریق اعطای وام‌های کلان بدون وثیقه کافی به افراد خاص افتاده است. - م)

داستان از این قرار است که در سیستم «بانکداری ذخیره کسری» (سیستمی که در آن ذخیره بانک نزد بانک مرکزی تنها کسری از کل پولی است که مشتریان آن بانک در حساب خود واریز کرده‌اند. اثر این پدیده معمولاً زمانی خود را نشان می‌دهد که بانک مورد نظر از حساب سپرده مشتریان به متقاضیان وام می‌دهد. - م) افرادی که به سرچشمه نهاد خلق پول نزدیک‌ترند مثل دولت، بانک‌ها و افراد برخوردار از مزایای ویژه، امکان دریافت وام از

پول‌های تازه دارند و بر همین اساس سود بالایی می‌برند. اگر علاقه دارید در این مورد بیشتر بخوانید من پیشنهاد می‌کنم مقاله «تورم از آب میوه شما جرعه‌ای می‌نوشد» اثر «دانیل سنچز» را مطالعه کنید.

بنابراین این توضیح خوبی است برای دشواری‌هایی که برای افراد ایجاد می‌شود چون مدیریت آن برای فردی که دستمزد ثابت دارد ناممکن است و نمی‌تواند جلوی تأثیرات آن را بر روی قدرت خریدش بگیرد. درحالی که افرادی که به سرچشمه نهاد خلق پول نزدیک هستند بهتر می‌توانند خودشان را در مقابل اثرات منفی پدیده کانتیلان مصون نگه دارند.

بنابراین وقتی افرادی می‌روند و وال‌استریت را اشغال می‌کنند، واقعاً درست است که می‌گویند سیستم ناعادلانه است. فقط نکته اینجا است که برای درک کامل پدیده کانتیلان و اینکه یکی از بزرگترین مشکلات بوجود آمده توسط تورم است، نیاز به سطح تقریباً بالایی از اطلاعات اقتصادی است. نکته دیگری که اقتصاددان‌های مکتب اتریشی مطرح می‌کنند، موضوع «دوره‌های رونق و رکود بازار» است که شاید بعداً به آن بپردازیم.

یکی دیگر از نکته‌هایی که می‌خواهم درباره آن صحبت کنم از کتاب «انسان، اقتصاد، و حکومت» نوشته رات‌بارد است. او یک جایی در این کتاب قطور درباره مفهوم «تقاضای جمع‌آوری» چیزی صحبت کرده است. توجه کنید که ارزش یک کالا به این است که مردم چقدر علاقه به جمع کردن آن دارند. این مسأله که اگر مردم به جمع‌آوری چیزی تمایل نشان می‌دهند، باعث باارزش شدن آن می‌شود. یکی از مقاله‌های سایت مؤسسه ناکاموتو هم با عنوان «من دارم بیت کوین جمع می‌کنم و چیزی برای شما باقی نمی‌ماند» به همین موضوع پرداخته است.

بنابراین امیدوارم این نکته به مخاطبین کمک کند تا بتوانند این مسأله را درک کنند که ارزش هر چیزی از کجا نشأت می‌گیرد. اینکه مردم برای نقل و انتقال ارزش در معامله‌هایشان از چیزی استفاده می‌کنند لزوماً آن جنس را با ارزش نمی‌کند. چون ممکن است مردم فقط برای معامله کردن از آن استفاده کنند ولی تمایلی به جمع کردن آن نداشته باشند. این موضوع دوباره ما را به بحثی باز می‌گرداند که قبل‌تر در مورد مصرف کردن چیزی یا سرمایه‌گذاری کردن آن یا پس‌انداز کردن آن کردیم.

همچنین رات‌بارد در کتاب «انسان، اقتصاد، و حکومت» بحثی پیرامون مسأله ارزش پول می‌کند و بیان می‌کند که قیمت یک پول می‌تواند از قبل تعیین شده باشد. برخی از مردم می‌گویند: «حداقل طلا موارد استفاده غیرپولی هم دارد. یعنی اگر ارزش و کارکرد پولی‌اش را هم از دست بدهد همچنان در صنایع دیگری مثل جواهرآلات، قطعات کامپیوتر، و دیگر صنایع مورد استفاده قرار می‌گیرد.» من معتقدم رات‌بارد نکته‌ای را در کتابش مطرح می‌کند که مردم برای تعیین ارزش پول می‌توانند به قیمت روز قبل آن رجوع کنند.

یعنی بیت‌کوین ویژگی‌های دیگری به غیر از مزایای پولی دارد. این یعنی در روزهای اول به وجود آمدن بیت‌کوین مردم ممکن بوده به هر دلیلی آن را می‌خریدند. یک نفر ممکن است بخاطر اینکه خوره کامپیوتر بوده و برایش با ارزش بوده آن را خریده یا اینکه از نظر او بیت‌کوین یک پول دیجیتال بوده و آن را خریده است. بعد در طول زمان مردم برای آن ارزش قائل شدند و به عنوان یک دارایی نقدشوندگی آن بیشتر و بیشتر شد. حالا ممکن است یک اقتصاددان مکتب اتریشی که با بیت‌کوین مخالف است بگوید: «خیلی خوب، ولی بیت‌کوین مورد استفاده‌ای جز پول ندارد و کاری نمی‌توان با آن کرد. بنابراین کلاه‌برداری است و به زودی هم از بین خواهد رفت.» اما این گفته درست نیست چرا که بیت‌کوین قبل از اینکه به عنوان پول مورد استفاده قرار بگیرد هم قیمت داشته است.

حال که داریم در این مورد صحبت می‌کنیم موضوع دیگری به خاطر آمد. فقط می‌خواهم در مورد ویژگی «خریدار داشتن» کمی صحبت کنم. در مورد مسأله پول، صرفاً ارزشی که بازار حاضر است برای آن پردازد مهم نیست بلکه از آن مهم‌تر آن است که آن پول چقدر در بازار خریدار دارد. تحلیل تجربی که اخیراً توسط یک محقق به نام «جی پی تور» انجام شده نشان می‌دهد بیت کوین در بازار ارزهای دیجیتال سلطه واقعی و انکار نشدنی دارد.

افرادی مثل ویتالیک از پروژه اتریوم، از سلطه بیت کوین بر بازار بدگویی می‌کنند و معتقدند که این سلطه در حال کاهش است ولی درواقع اگر به حجم نقدینگی واقعی و تعداد افرادی که به بازار بیت کوین وارد و از آن خارج می‌شوند نگاه کنید خواهید دید معادل ۸۰ درصد معاملات در بازار بیت کوین رخ می‌دهد. این رقم با قانون «پرتو» یا همان قانون ۸۰/۲۰ هم مطابقت دارد. این موضوع را به این صورت می‌توان تفسیر کرد که آنچه درواقع از اهمیت بیشتری برخوردار است ویژگی خریدار داشتن و قابل فروش بودن یک پول است تا صرفاً رقم ارزش آن.

بیت کوین به شدت کمیاب است و بازار آن در حال حاضر از نظر جهانی بسیار کوچک است. بازار بیت کوین [در زمان ضبط این قسمت از پادکست در سال ۲۰۱۹] حدود ۱۰۰ میلیارد دلار ارزش دارد در حالی که حجم کل پول موجود در دنیا حدود ۹۰ تریلیون دلار تخمین زده شده است و مقدار کل ثروت دنیا توسط شرکت Credit Suisse حدود ۲۷۰ تا ۲۸۰ تریلیون دلار محاسبه شده است. در مقابل این اعداد در بازارهای جهانی بیت کوین یک قطره خیلی خیلی کوچک است. پس چون بیت کوین خیلی کمیاب است اگر پیش‌بینی‌های ما درست از آب دربیاید قیمت آن باید با وارد شدن افراد جدید به بازار آن افزایش چشمگیری داشته باشد.

حالا به سراغ کتاب «پول، اعتبار بانکی، و دوره‌های رونق و رکود اقتصادی» نوشته «هرتا دسوتو» برویم که یک کتاب فوق‌العاده است. کتابی واقعاً عمیق و طولانی است. بعضی وقت‌ها لازم است این کتاب‌های طولانی را بخوانید. من پیشنهاد می‌کنم اول از مقالات کوتاه شروع کنید و بعد سراغ کتاب‌های طولانی مثل همین کتاب که پیشتر گفتم یا کتاب «انسان، اقتصاد، و حکومت» از رات‌بارد و کتاب «کنش انسانی» نوشته لودویک فون میسس که کتاب‌هایی در سطح بالا هستند بروید.

از این حرف‌ها گذشته، «هرتا دسوتو» در کتابی که صحبتش را پیشتر کردیم موضوع بیشتر شدن مقدار اعتبار بانکی، از پولی که در بانک بعنوان ذخیره قرار داده شده است را مطرح می‌کند. او تلاش می‌کند به ما توضیح بدهد که همین موضوع بسط یافتن اعتبار عامل واقعی چرخه‌های رونق و رکود اقتصادی است. درواقع این تئوری چرخه‌های بازار از نگاه یک اقتصاد دان مکتب اتریشی است. از این زاویه اگر به موضوع نگاه کنیم انگار می‌خواهد این رشته‌های پراکنده را با هم جمع کند و بصورت کاملاً منسجم دریاورد. شما برای درک کامل این موضوع باید درک کاملی از کالاهای مصرفی در مقابل کالای سرمایه‌ای، ساختار سرمایه، نظریه نرخ بهره، و راه‌هایی که به سرمایه‌گذاری نامناسب ختم می‌شود داشته باشید. [او معتقد است بسط یافتن اعتبار] باعث ایجاد اعوجاج در ساختار سرمایه و متعاقب آن مجموعه‌ای از خطاهای کارآفرینی خواهد شد.

بنابراین اینطور نخواهد بود که بازار روند عادی خودش را طی کند و کارآفرینان تصمیمات اشتباهی بگیرند که پذیرفته شده باشد. بلکه بسط اعتبار باعث بوجود آمدن مجموعه‌ای از خطاهای کارآفرینی در بین تعداد زیادی از کارآفرینان می‌شود و این همان چیزی است که ما بصورت دوره‌های رونق و رکود در بازار می‌بینیم. بنابراین «هرتا دسوتو» پیگیر «بانکداری

ذخیره کامل» (در مقابل بانکداری ذخیره کسری. - م) است. روش بانکداری که در آن مقدار سپرده قانونی بانک‌ها باید دقیقاً برابر با اعتباری باشد که به مشتریان اعطا می‌کند.

این اصلاً به معنی از بین رفتن اعتبار بانکی نیست بلکه یعنی حساب‌های مختلف سپرده‌گذاری از همدیگر جدا می‌شود. برای مثال فرض کنیم من یک حساب سپرده دارم که هروقت بخواهم می‌توانم از آن برداشت کنم. حال اگر به بانک بروم و آن حساب را تبدیل به یک حساب سپرده مدت‌دار برای سرمایه‌گذاری کنم دیگر نمی‌توانم هروقت خواستم به بانک بروم و از آن حساب برداشت کنم. همانطور که مشاهده می‌کنید امروزه اگر شما در بانک‌تان حساب سرمایه‌گذاری باز کنید بانک به شما روی حسابی که می‌توانید هروقت بخواهید از آن برداشت کنید، سود هم پرداخت می‌کند. این فقط از طریق روش بانکداری ذخیره کسری مقدور می‌شود که در آن بانک‌ها از مدل‌های ریاضی تخمین می‌زنند که چه درصدی از مردم برای برداشت از حساب‌شان به بانک می‌روند.

آنچه که اقتصاددان‌های مکتب اتریشی طرفدار بانکداری ذخیره کامل می‌گویند این است که این بسط یافتن اعتبار بانکی و بیشتر شدن آن نسبت به سپرده‌ای که نزد بانک است و پولی که از راه پس‌انداز ذخیره شده، درواقع عامل اصلی بوجود آمدن چرخه رونق و رکود بازار است. برای همین «هرتا دسوتو» معتقد است که بانکداری ذخیره کسری، یک کلاهبرداری است که موجب بوجود آمدن چرخه بازار می‌شود.

حالا من شخصا من عقیده ندارم که لزوماً کلاهبرداری است. چون علناً می‌توان درمورد آن صحبت کرد ولی معتقدم این درست است که باعث بوجود آمدن چرخه‌های رونق و رکود در بازار می‌شود. بحث بعدی ما درمورد تاریخچه پول و بانکداری است که همانطور که رات‌بارد و هولتزمن توضیح می‌دهند واقعاً مداخلات دولت باعث شد بانکداری ذخیره کسری ممکن

شود. بنابراین قوانین پول رایج و قانونی قابل استفاده در معاملات، قوانینی که بانک‌های مرکزی را به عنوان آخرین راه چاره برای وام دادن به بانک‌های ورشکسته تعیین می‌کند، این‌ها همه قوانینی هستند که اساساً برای حمایت از بانک‌هایی که قادر به انجام تعهدات خود در مقابل مشتریان‌شان نیستند بوجود آمده‌اند. (اتفاقاتی که در سال ۱۳۹۷ در رابطه با صندوق‌های اعتباری افتاد را به خاطر بیاورید. - م)

مواردی مثل ضمانت‌های وثیقه‌سپاری ضمنی، بخشودگی بدهی‌ها. قوانین مختلف دیگر مثل قوانین نظارت مالی و همه چیزهایی که سیستم بانکی را به شکلی که اکنون می‌بینیم سوق داده است و این کژمنشی را بوجود آورده که بجای اینکه هرکسی بانک‌ها را خودش به دقت مورد بررسی قرار دهد و با خودش بگوید: «من پولم را در بانک الف قرار می‌دهم و نسبت به بانک ب مشکوک هستم. چون بانک الف به احتمال زیاد بانک با ثباتی است درحالی‌که بانک ب فکر کنم بانکداری ذخیره کسری است و برای همین به آن مشکوک هستم»، دولت به همه اعلام می‌کند که خیالتان راحت، نیازی نیست بانک‌ها را مورد بررسی قرار بدهید و فقط بروید یکی از آن‌ها را انتخاب کنید و پول‌تان را در آن قرار دهید و اگر مشکلی پیش آمد من جبران می‌کنم.

مسائلی که مطرح شد یک خطر کلی برای سیستم بوجود می‌آورد. آن‌ها جلوی ورشکستگی بانک‌ها را با وثیقه دادن به آن‌ها و به بهای بوجود آوردن یک خطر بزرگ‌تر برای کل سیستم می‌گیرند. دسوتو در کتابی که پیشتر درباره‌اش صحبت کردیم به نمونه‌هایی از بسط اعتبار حتی قبل از تشکیل فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا. - م) اشاره کرده است.

همچنین اگر علاقمند باشید یک سخنرانی خیلی خوب از «تام وود» هست که می‌توانید آن را در یوتوب پیدا کنید. فکر کنم عنوانش «چرخه‌های اقتصادی قبل از تاسیس فدرال رزرو»

باشد. در اینجا هم به موضوع بسط اعتبار و زیان‌های آن می‌پردازد. اعتباری که بیشتر از مقدار سپرده به کارفرمایان و مردم پرداخت می‌شود به‌عنوان امانتی است که از طرف بانک به آن‌ها پرداخت می‌شود و قدرت خرید مردم را کاهش می‌دهد و همچنین در بازار چرخه‌های رونق و رکود پدید می‌آورد. من قصد ندارم اینجا بیشتر به این موضوع بپردازم چون می‌توان یک قسمت کامل پادکست در این مورد صحبت کرد اما امیدوارم توانسته باشم بخش کوچکی از نکته‌های مهمی که برای اقتصاددان‌های مکتب اتریشی مهم است را به شما معرفی کرده باشم.

نوشته‌های هولتزمن را هم در نظر داشته باشید. او یک اقتصاددان خارق‌العاده است و اتفاقاً در پادکست من مهمان بوده است. فکر می‌کنم قسمت ۵۰ یا ۵۱. او مقالات زیادی نوشته و سخنرانی‌های زیادی کرده است. پیشنهاد می‌کنم نام او را در وب یا یوتوب جستجو کنید. از نوشته‌های او «آزادی و تورم منفی» و از کتاب‌هایش کتاب بسیار عالی «اخلاق در خلق پول» را پیشنهاد می‌کنم.

کتاب آزادی و تورم منفی بسیار کتاب خوبی است و در آن اساساً توضیح می‌دهد که چرا مردم نباید به تورم منفی بدبین باشند. بله درست است، در مواردی هم ممکن است که تورم منفی بد باشد ولی اگر آن موارد هم بررسی دقیق شوند متوجه می‌شویم که درواقع برخی از دلایل بوجود آورنده آن تورم منفی بد، تورم‌های [مثبت] قبل از آن بوده است. بنابراین مردم به اشتباه نتایج تصمیمات قبلی را سرزنش می‌کنند و دلایل اصلی بوجود آمدن تورم را که بیشتر گفتیم و درواقع بسط اعتبار است در نظر نمی‌گیرند. کتاب آزادی و تورم منفی بسیار کتاب خوبی است.

کتاب اخلاق در خلق پول یکی از کتاب‌های مورد علاقه من است و در مصاحبه‌ای که با آقای هولتزمن داشتم به بعضی از مباحث مطرح شده در آن پرداختیم. او در آن کتاب اساساً

درمورد تاریخچه پول و اینکه چگونه مداخلات دولت‌ها پول را به صورتی که امروزه می‌بینیم درآورده، صحبت می‌کند. ما درباره اثر این مداخلات بر وخامت کیفیت پول و تغییری که بر نحوه انتخاب پول توسط مردم می‌گذارد صحبت کردیم.

یک فصل واقعاً جذاب دیگر این کتاب درباره پیامدهای فرهنگی پول فیات است. اثراتی که بر نحوه فکر کردن و روش‌های سرمایه‌گذاری کردن مردم می‌گذارد. همچنین باعث ایجاد تغییراتی در نحوه عمل کرد دولت‌ها می‌شود چون آن‌ها به راحتی به بودجه‌های جنگ و برنامه‌های رفاهی دسترسی دارند که به نوبه خود باعث تغییراتی در نحوه فکر کردن من و شما در مورد آینده و اینکه آیا برای آینده پولی پس‌انداز می‌کنیم یا نه، می‌گذارد.

همچنین وقتی در مورد این قضایا فکر می‌کنید به این نتیجه می‌رسید که دولت می‌تواند بخش خصوصی را از گود خارج کند. مثلاً اگر دولت به تأمین خدمات رفاهی بپردازد این اقدام باعث می‌شود رقبای خصوصی او از گردونه خارج شوند. اگر به این مسائل علاقمند هستید پیشنهاد می‌کنم کتاب «از کمک متقابل تا دولت رفاهی» اثر «دیوید تی. بیتو» را مطالعه کنید.

خب، به سراغ برخی از مطالب مؤسسه ساتوشی ناکاموتو برویم. پیشنهاد می‌کنم حتماً از این سایت دیدن کنید. طیفی از مقالات خوب در آنجا وجود دارد. الان می‌خواهم درباره چند مقاله که در قسمت Memory pool این سایت قرار دارند صحبت کنم. یکی از آن‌ها مقاله «سیاست پولی بی‌نقص بیت کوین» است که درباره الگوریتم سیاست پولی بیت کوین توضیح می‌دهد. مقاله «پی‌یر روشارد» هم با عنوان «بانک مرکزی را با ذخیره بیت کوین از بین ببرید» آنجاست.

مقاله «همه شیادند» از «مایکل گلدشتان» درباره هک‌ها و کلاهبرداری‌هایی صحبت می‌کند که در فضای بیت کوین رخ داده و بعضی از آن‌ها مورد توجه برخی از بیت‌کوینرها قرار گرفته است. آن‌ها فقط افرادی که برای ثروتمند شدن عجله دارند را به خودشان جلب می‌کنند. در هر صورت شما باید همیشه فکر کنید که افراد زیادی سعی دارند بیت‌کوین‌های شما را از چنگ‌تان در بیاورند. اگر شما تئوری‌هایی که از نقش بیت کوین در آینده مالی دنیا صحبت می‌کنند را خوب درک کردید دیگر با خود شماست که تصمیم بگیرید آیا می‌خواهید بیت‌کوین‌هایتان را از دست بدهید یا نه.

چند نکته دیگر بگویم. یک مقاله خیلی خوب از پی‌یر در مؤسسه ناکاموتو موجود است با عنوان «حمله نظری». خیلی مقاله خوبی است و پیشنهاد می‌کنم آن را بخوانید. در مورد این ایده صحبت می‌کند که با گذشت زمان و افزایش بازدهی نگه‌داشتن و ذخیره کردن بیت‌کوین، کار برای بانک‌های مرکزی دشوارتر خواهد شد چون در این صورت آن‌ها باید نرخ بهره خود را به میزانی که دیگر غیرمنطقی است افزایش دهند.

نکته دیگری که باید در نظر بگیریم جذابیت بیت‌کوین برای همه افراد حتی کارمندان دولت‌ها است. این موضوع تقریباً همان مشکل «مامور ارشد» (در علم اقتصاد به شرایطی می‌گویند که بین اولویت‌های یک سازمان با اولویت‌های افرادی که برای آن سازمان کار می‌کنند ناسازگاری وجود داشته باشد و مامور این سازمان ممکن است طوری رفتار کند که به نفع خودش و برخلاف آن سازمان باشد. - م) بنابراین به فرض که فردی در یک سازمان دولتی مشغول به کار و با بیت‌کوین مخالف باشد. این فرد به تنهایی قادر به خاموش کردن کل شبکه بیت‌کوین نخواهد بود. این فرد با گذشت زمان هرچه بیشتر با بیت‌کوین آشنا شود ممکن است بخواهد خود، خانواده، و دوستانش را حمایت کند و بیت‌کوین را به آن‌ها معرفی کند و خودش هم بیت‌کوین نگه‌داری کند. این مورد در موضوع کارمندان دولتی که مسئول

تحقیق بر روی پرونده «سیلک رود» بودند مشاهده شده که چطور تلاش می کردند با حقه بازی بیت کوین بدست بیاورند.

مواردی هم از ونزوئلا شنیده ام که چطور برخی از مقامات دولتی در بدست آوردن تجهیزات استخراج بیت کوین برای خودشان تلاش هایی کرده اند. (در کشور خودمان هم شاهد بودیم که نهادهای حکومتی یک شبه اعلام کردند دستگاه ماینر قاچاق است و تجهیزات استخراج افراد را مصادره کردند و هیچ وقت بازنگردانند. الان معلوم نیست این دستگاه ها کجا هستند و برای چه کسی بیت کوین استخراج می کنند. - م) ممکن است شما پیش خودتان بگویید «دولت یک ماهیت یکپارچه دارد» اما اینطور نیست. دولت از افراد مختلف تشکیل شده که هر کدام از آنها انگیزه های خودشان را دارند.

نکته دیگری که می خواهم درباره آن صحبت کنم در مقاله «حکمرانی بیت کوین» نوشته پی یر روشارد است که در آن اساساً شبکه همتا-به-همتا (نام گونه ای از معماری شبکه های کامپیوتری است که در آن نودها یا کامپیوترهای متصل به هم، بدون نیاز به سیستم مدیریت مرکزی با یکدیگر تبادل داده می کنند. این نوع شبکه ساده ترین و سریع ترین روش شبکه سازی است. - م) بیت کوین را توضیح می دهد. اینکه بیت کوین یک اجماع اجتماعی بین افراد مختلف، با نظرات مختلف است. از این نظر آنها یک فول-نود (نرم افزار بیت کوین که هر کسی می تواند با اجرا کردن آن اعتبار دفتر کل حسابداری بیت کوین را بازبینی و از درسی آن اطمینان حاصل کند. - م) یا همان نرم افزار بیت کوین را روی دستگاه شان اجرا می کنند که درواقع معتقدند قوانین درست تراکنش ها و تأیید بلاک ها را در خودش جای داده است. یعنی از راه اجرا کردن یک نرم افزار افراد مختلف در اجتماع با هم بر سر اینکه واقعاً بیت کوین چیست، به اجماع می رسند. قوانینی مثل سقف تولید بیت کوین و از این قبیل.

از همین روش که معروف به «نقطه شلینگ» (در نظریه بازی به شرایطی گفته می‌شود که در آن افرادی که هیچ‌گونه ارتباطی با یکدیگر ندارند، از راه پیش‌بینی رفتار طرف مقابل با هم همکاری می‌کنند. - م) است افراد مختلف تصمیم می‌گیرند که دیگران چه نرم‌افزاری از بیت‌کوین اجرا می‌کنند و خودشان هم آن را اجرا می‌کنند و اساساً بیت‌کوین اجماع بین همین افراد است. اگر این مسائل برای شما جذاب است قسمتی که پی‌یر مهمان پادکست من بود را گوش کنید. احتمالاً قسمت شماره ۱۲ است.

مورد بعدی نکاتی است که «تریس می‌یر» در مورد «هفت اثر شبکه‌ای بیت‌کوین» (اثر شبکه‌ای اینجا به معنی شبکه نرم‌افزاری بیت‌کوین نیست. اثر شبکه‌ای در علم اقتصاد و کسب‌وکار تأثیری است که یک کاربر کالا یا خدمات بر ارزش آن دارد. وقتی اثر شبکه‌ای وجود داشته باشد ارزش یک محصول یا خدمت به تعداد استفاده‌کنندگان آن وابسته است. - م) نوشته است. او در طول این سال‌ها مطالب خوبی نوشته است. در این نوشته او به هفت اثر شبکه‌ای بیت‌کوین اشاره می‌کند که هر کدام از آن‌ها باعث تقویت آن می‌شوند. این اثر شبکه‌ای کار را برای کسانی که می‌خواهند بیت‌کوین بعدی را پدید بیاورند خیلی سخت می‌کند و به همین دلیل است که در طول ۱۰ سالی که از عمر بیت‌کوین می‌گذرد کسی نتوانسته آن را سرنگون کند. (تریس می‌یر یکی از اولین افرادی است که درباره اثرات اقتصادی بیت‌کوین پادکست تولید کرد و مقاله نوشت. او در سال ۲۰۱۹ با سرمایه‌گذاری و حمایت از یک آلت‌کوین جدید اعتبارش را بین طرفداران دوآتشه بیت‌کوین از دست داد و تقریباً از فضای کامیونیتی بیت‌کوین محو شد. - م)

هفت اثر شبکه‌ای او این موارد هستند: مردم آن را معامله می‌کنند، فروشندگان آن را می‌پذیرند، خریداران برای پرداخت از آن استفاده می‌کنند، امنیت، مشارکت توسعه‌دهندگان، نفوذ به بازارها و نهادهای مالی و در آخر ارز ذخیره جهانی. به شخصه معتقدم شماره یک از

بقیه مهم‌تر است چون مردم با معامله کردن آن چرخه‌های بازار رو به بالا را پدید می‌آورند. مورد بعدی که باید حتماً در نظر بگیریم اثر شبکه‌ای بسیار بسیار قوی در بخش توسعه فنی بیت کوین است. وقتی کسی می‌خواهد چیزی بسازد قطعاً بستری را انتخاب می‌کند که ماندگار باشد.

مفهوم دیگری که در مورد بیت کوین مصداق دارد ایده‌ای است که «نسیم طالب» مطرح کرده و نام آن را «اثر لیندی» گذاشته است. هرچه یک ایده یا هرچیزی زمان بیشتری به حیات خودش ادامه بدهد و باقی بماند، انتظار بیشتری از ادامه زندگی آن می‌رود. به همین دلیل است که مردم بجای بوجود آوردن یک بیت کوین جدید ترجیح می‌دهند از همین که سال‌هاست وجود دارد استفاده کنند.

اکنون می‌خواهم درباره مسأله تازه واردها و توجه آنان به آلت کوین‌ها کمی صحبت کنم. من پیشنهاد می‌کنم در مورد اهدافشان صادق باشند چون وقتی با بیشترشان صحبت کردم متوجه شدم آن‌ها به دنبال ۱۰ برابر کردن سرمایه خود هستند یا احساس می‌کنند از قطار بیت کوین جا مانده‌اند. معمولاً حاضر به اعتراف نیستند ولی اگر بیشتر با آن‌ها صحبت کنید متوجه می‌شوید که احتمالاً قضیه از همین قرار است.

موضوع بعدی به واحد بیت کوین و دیگر کوین‌ها مربوط است. آن‌ها ممکن است پیش خودشان بگویند من می‌توانم ۱۰ واحد کامل از ریپل (یکی از متمرکزترین آلت کوین‌های موجود در بازار. - م) بخرم ولی بیت کوین خیلی گران است و نمی‌توانم حتی ۱ واحد از آن را بخرم. اما چیزی که آن‌ها متوجه نیستند این است که هرکسی می‌تواند بخشی از یک بیت کوین کامل را بخرد. برای همین است که در فضای اجتماعی بیت کوینِ مِم معروف «جمع کردن ساتوشی» (هر بیت کوین ۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ساتوشی است. - م) به راه افتاده است.

مشکل دیگر خیلی از این آلت کوین‌ها متمرکز بودن آنها است. آنها آنطورها هم که ادعا می‌کنند تغییرناپذیر نیستند. ممکن است دولت با ارباب و تهدید افراد کلیدی این پروژه‌ها را مجبور به تغییر قواعد بازی کند. برای همین است که در مورد بیت کوین [بخاطر ذات غیرمتمرکزش] شما می‌توانید یک فول-نود روی کامپیوترتان اجرا کنید و تراکنش‌ها و بلاک‌های شبکه را خودتان [بدون نیاز به اعتماد به غیر] بازبینی کنید. اساساً مشکل اصلی این پروژه‌های متمرکز این است که به قول «وارن بافت» تا زمانی که آب استخر را خالی نکنند متوجه نخواهید شد چه کسانی برهنه شما می‌کنند.

بعضی از این پروژه‌ها فقط ادای استفاده کردن از رمزنگاری را درمی‌آورند و فقط نقش بازی می‌کنند. آنها اساساً غیرمتمرکز نیستند و فقط وقتی آب استخر خالی شود معلوم می‌شود کدام‌شان برهنه هستند. آنها به هیچ‌وجه غیرمتمرکز نیستند. یعنی پروژه آنها آنقدر بزرگ یا اثرگذار نشده و گرنه دولت‌ها به راحتی می‌توانند آنها را تعطیل کنند. در کل در رابطه با اینکه این پروژه‌ها چقدر راحت می‌توانند هک شوند یا چقدر راحت می‌شود به آنها حمله کرد یا اینکه اصلاً چقدر راحت می‌توان آنها را تغییر داد اطلاعات درستی به عموم داده نمی‌شود.

ما در مورد برخی از مشکلات فن‌آوری بلاک‌چین و ایده ناکارآمد بودن آن از نظر تکنولوژی صحبت کردیم و این موضوع به مطلبی که نیک زابو با عنوان «پول، بلاک‌چین، و مقیاس‌پذیری اجتماعی» نوشته است باز می‌گردد. یک روایت جدید هم از «توکن کردن هر چیزی» در دنیای امروز باب شده که موضوع بدی هم نیست. ولی مشکلی که افراد طرفدار این موضوع به نظر من دارند این است که بخاطر سودآور بودن بیت کوین آنها فکر می‌کنند پروژه‌های توکنایز کردن هر دارایی برای آنها هم سودآور می‌شود. درحالی که سود اصلی را کسانی که صاحب دارایی هستند می‌برند نه لزوماً کسانی که توکن‌ها را می‌خرند.

معتقدم وقتی مردم وارد این سرمایه‌گذاری‌های مربوط به توکنایز کردن کالاها می‌شوند کمی خودشان را از نظر اینکه این بازار دقیقاً چقدر بزرگ است و اصلاً چقدر اهمیت دارد گول می‌زنند. همچنین نکته‌هایی در این مورد وجود دارد که صحبت کردیم. حالا این سؤال پیش می‌آید که بیت کوین چقدر می‌تواند بر بازارهای پولی غلبه داشته باشد. اگر همان قانون ۸۰ - ۲۰ پرتو که قبلاً درباره‌اش صحبت کردیم را دوباره در نظر بگیریم که بر اساس آن یک پول قدرتمند ۸۰ درصد و بقیه پول‌ها ۲۰ درصد بازار را در اختیار خواهند داشت می‌توان گفت شاید آلت کوین‌ها بتوانند در آن ۲۰ درصد باقیمانده جایی برای خودشان پیدا کنند. نمی‌دانم شاید هم بخشی از آن سهم طلا شود.

از این نظر حتی اگر ۸۰ درصد سهم بازار پول به بیت کوین برسد باز هم می‌توان گفت که کل ارزش جهان با بیت کوین تعیین می‌شود. کسی چه می‌داند ممکن است در آن زمان همچنان این آلت کوین‌ها وجود داشته باشند اما همچنان می‌توان گفت که ارزش کل جهان به بیت کوین سنجیده می‌شود. شخصاً خودم را برای امتحان کردن هیچ کدام از این آلت کوین‌ها به زحمت نخواهم انداخت چون معتقدم هیچ کدام از آن‌ها نمی‌توانند رقیب جدی برای بیت کوین باشند.

امیدوارم تا حدودی توانسته باشم در این مورد توضیح بدهم. بعضی از افراد می‌گویند: «ولی ممکن است در آینده کاربردهای جدیدی برای پول پیدا کنیم که قوانین قدیمی بر آن‌ها اعمال نمی‌شود.» همچنان معتقدم این نظرات دلایل اصلی نگهداری و پس‌انداز پول را نادیده می‌گیرند. همانطور که قبلاً هم صحبت کردیم ما به این خاطر پول‌مان را پس‌انداز می‌کنیم که نسبت به آینده اطمینان خاطر نداریم.

افراد دیگری هم نگران‌اند که همه بیت کوین‌ها در حال حاضر بصورت مستقیم در تراکنش‌ها به کار گرفته می‌شوند. ولی از نظر یک اقتصاددان طرفدار بیت کوین و مکتب اتریشی قضیه به

این شکل است که: «نه اینطور نیست. زمان می‌برد تا بیت کوین بزرگ شود. سال‌ها و شاید دهه‌ها طول می‌کشد. این را باید درک کنید که پول هم باید مراحل رشدش را طی کند.»

یک نویسنده به نام «ژفونز» در این مورد مطالبی نوشته است. فکر کنم نیک زابو هم در این مورد چیزهایی نوشته است. همچنین وی‌جی بویاپاتی هم به توضیح این مسائل پرداخته است. همه آن‌ها به مسائلی که ژفونز در مورد مراحل تکامل پول گفته ارجاع داده‌اند. پول در طول این مراحل، اول یک شیء کلکسیونی است، بعد به ابزاری برای حفظ ارزش تبدیل می‌شود و بعد به واسط پرداخت در معامله، و در نهایت به جایی می‌رسد که همه چیز را بر اساس آن می‌سنجند. اینطور هم می‌توان به این مسأله نگاه کرد.

چیزی که اینجا باید مورد توجه قرار گیرد بینشی است که رات‌بارد در مورد پول دارد. البته من فکر می‌کنم افراد دیگری هم این نکته را بیان کرده‌اند ولی اساساً رات‌بارد این مسأله را بیان کرده که کاربرد نهایی پول همان واسط پرداخت در معامله است و کاربردهای دیگر آن فرعی هستند. برخی از افراد اصل مطلب را نگرفتند و سعی کردند عمل کردهای پول را از هم تفکیک کنند. اصل مطلب این است که کارکرد حفظ و ذخیره ارزش و سنجیده شدن همه چیز بر پایه آن پول مورد نظر نسبت به واسط پرداخت در معامله فرعی هستند. این به موضوع خریدار داشتن پول باز می‌گردد که کدام کالا از بقیه راحت‌تر به فروش می‌رسد.

امیدوارم این مباحث برای شما آموزنده و مفید بوده باشد. من معتقدم اولین سرمایه‌گذاری هر کس باید در آموختن بیت کوین باشد. پس بجای اینکه با عجله فقط بیت کوین بخرید باید کمی عمیق‌تر راجع به آن بخوانید و بدانید اصلاً موضوع بیت کوین از چه قرار است. اگر فقط به اندازه خواندن یک مقاله فرصت دارید من پیشنهاد می‌کنم مقاله «روند صعودی بیت کوین» نوشته دوست من وی‌جی بویاپاتی را بخوانید. (ترجمه این مقاله در سایت bitcoind.me موجود است. - م)

اگر فرصت خواندن مجموعه‌ای از مقالات را دارید، پیشنهاد من «دوره فشرده اقتصاد سیاسی بیت کوین» اثر مایکل گلدشتاین است که می‌توانید آن را بر روی مؤسسه ناکاموتو پیدا کنید. اگر فرصت دارید که یک کتاب بخوانید، پیشنهاد می‌کنم کتاب «پول بیت کوین» نوشته سیف‌الدین را بخوانید که نمی‌توان از آن گذشت. همه این افراد مهمان پادکست من بوده‌اند و پیشنهاد می‌کنم آن‌ها را هم گوش کنید.

اگر علاقمند به یادگیری و درک بیت کوین هستید پیشنهاد می‌کنم شروع کنید و به همه قسمت‌های پادکست من گوش کنید. اگر تازه شروع کردید پیشنهاد می‌کنم از همان قسمت اول شروع کنید. معتقدم این یک روش سریع است برای فهم بیت کوین و درک اینکه چرا بیت کوین موضوع مهمی است. همچنین مسائل فنی و اقتصادی بیت کوین را هم در طول این مسیر یاد خواهید گرفت. اگر هم از شنوندگان پای ثابت پادکست من هستید حتماً آن را با دوستان تازه‌وارد و آن‌هایی که چندوقتی است شروع به یادگیری کرده‌اند به اشتراک بگذارید.

همچنین اگر مطالب از مطرح شده در پادکست من لذت می‌برید و از آن‌ها استفاده می‌کنید حتماً نظرتان را به من بگویید. می‌توانید من را در توئیتر پیدا کنید و کارهایم را دنبال کنید. می‌توانید پیام خصوصی در توئیتر به من بدهید. هندل من در توئیتر [@stephanlivera](https://twitter.com/stephanlivera) است و توضیحات این قسمت را هم می‌توانید در وب‌سایت من پیدا کنید. شماره این قسمت ۷۱ است. خیلی ممنون که به این قسمت گوش کردید. بزودی با هم صحبت می‌کنیم. خداحافظ.

هرگونه استفاده از این ترجمه برای همگان آزاد است.

الف. آزاد

پاییز ۱۳۹۹

bitcoind.me

منابع فارسی بیت کوین

معرفی کتابها، مقالات، خودآموزها، و بطور کلی منابع آموزشی و کاربردی معتبر حوزه بیت کوین، اقتصاد، و حریم خصوصی که توسط علاقمندان و فعالان جامعه فارسی زبان بیت کوین تالیف یا ترجمه شده اند